

توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی

(قسمت دهم)

عبدالواحد شینواری یا مستر وید استرالیایی یکی از مهره های مهم توطئه های انگلیس یکی از پرکارترین و فعالترین مامورین استخبارات انگلیس در دوره امانی شخصی به نام عبدالواحد شینواری میباشد که به نام مستر وید استرالیایی معروف است. او از جمله افغان های سرحدی بود که در اواسط ۱۸۸۰ با پسر کاکایش غنی خان توسط فیض محمد و تاج محمد با شتر هایش به استرالیا برده شده در دشت های پهناور آن سرزمین به کار گماشته شد. وی انگلیسی را خوب یاد گرفت و با یک خانم استرالیایی ایکه قبلا یک شوهر افغان داشت ازدواج نمود. وی در سال ۱۸۹۵ به حیث مدیر کمپنی "بورک کیمل کیرئینگ" با منشی آن کمپنی به نام "جیورج تول" برای خریداری شتر و استخدام شتربانان چندین بار به بندرکراچی هند بریتانوی سفر نمود و در مدت کمی بعد از اندوختن ثروت هنگفت گویا خود به خریداری و واردات شتر و استخدام شتربانان افغان پرداخت و به اسم مستر وید استرالیایی شهرت یافت.

به استناد اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، عبدالواحد بار اول بعد از استرداد استقلال افغانستان خود را به نام یکنفر سید با احساس افغان که میخواهد تجربه و سرمایه اش را به خدمت افغان ها وقف نماید، معرفی و پیشنهاد نمود که امتیاز استخراج معدن طلای قندهار و تجارت چوب کنر به او داده شود و برای این مقصد ده هزار پوند طلا را به قسم حق الامتیاز پیشنهاد نمود. یادداشت محرمانه شماره (۴۳) تاریخ دوم مارچ ۱۹۲۱ اداره استخبارات بلوچستان در پراگراف شماره ۲۲۱ خود گزارش میدهد که "به یک نفر سیدی به نام میر عبدالواحد در رابطه با معدن طلای قندهار و عده ملاقات داده شد."

اگرچه پیشنهاد وی جالب بود، اما بزودی آشکار گشت که پشت پرده دست انگلیس کار میکرد، و شرکای اصلی او مؤسسات انگلیسی بوده او فقط نماینده آنها به شمار میرفت و هدف اصلی نیز پیدا کردن راه نفوذ به مناطق حساس افغانستان بوده است. شاید تصادفی نباشد که در راپور بعدی همان اداره، سه هفته بعد به تاریخ ۲۳ مارچ ۱۹۲۱ در پراگراف ۲۸۴ از دسیسه ضد حکومتی در قندهار و زندانی شدن یکتن از مولویان سرشناس قندهار اطلاع داده شد. ویکتور بایلی Victor Bayley سر انجینیر انگلیسی ایکه مسئولیت ساختمان خط آهن دره خیبر (۱) را بعهده داشت، در کتاب خاطراتش تحت عنوان ماجراجویی از طریق خیبر (۲) Adventure through Khyber از ملاقات شگفت آورش با این عبدالواحد شینواری سنگوخیل یا مستر وید استرالیایی نیز یاد آور شده است. و این زمانیست که جنگجویان افریدی و شینوار با ساختمان این خط آهن مخالفت و مقاومت نموده و دو نفر از شینواری های سنگوخیل به نام های داوود شاه و اردلی صاحب منطبان انگلیسی را در همین ساحه به قتل رسانده بودند.



عکسی که توسط خود بیلی از جریان ساختن خط آهن خیبر باس، گرفته شده است.

ویکتور بایلی مینویسد که او شگفت آورترین مهمانی بود که با آمدنش من را حیران ساخت. یکروز ملک میر اکبر خان به دیدن من آمده گفت که میخواهد رفیقش عبدالواحد خان را به من معرفی کند. من گفتم از دیدنش خوشحال خواهم شد، و یک شینواری دیگر در لباس شبیه به ملک داخل شد. من بعد از سلام معمول از او خواستم بر چوکی بنشیند، و از شنیدن جوابش در انگلیسی مبهوت گشتم. او به من گفت که در سن ده سالگی با پدرش که در "کوینز لند" شتر رانی میکرد، به استرالیا رفته و تا امروز در آن جا زندگی میکند. معلوم میشد که او به یک شخص ثروتمند تبدیل شده است. او از سرمایه گذاری یک قسمت

ثروتش در افغانستان صحبت نمود. "

مستر وید بار دیگر مقارن فتنه ملای لنگ و اغتشاش خوست به نام سید نه بلکه شینواری به افغانستان می آید. یادداشت

محرمانه شماره (۱۸۶) اداره استخبارات بلوچستان (برای هفته که به تاریخ ۱۶ اپریل ۱۹۲۴ ختم میشود)، گزارش میدهد که عبدالواحد خان شینواری و یک نفر استرالیایی درین اواخر از قندهار وارد کوئته شدند. آنها برای دیدن معدن طلا به قندهار رفته بودند."

دیپانو شمیره: له 1 تر 3

طوری که از صفحه ۴۵۲ کتاب انگلیسی خانم ستیوارت که اخیراً به نام "آتش در افغانستان" و "اور په افغانستان کی" به زبان های دری و پشتو هم ترجمه شده است، به ملاحظه میرسد، مستر وید مذکور در سال ۱۹۲۵ به آتشه نظامی سفارت انگلیس در کابل نوشته بود که هنوز هم یگانه آرزوی او خدمت به منافع دولت بریتانیا بوده و یقین دارد که درین راه سردار نادر خان، که سال گذشته در پاریس با او ملاقات نموده است، با وی کمک و همکاری خواهد نمود.

بعد از ختم اغتشاش خوست که مدت یکسال را در بر گرفت، کتر و غازی میرزمان خان کنری که در سرکوبی و حل اغتشاش خوست از طریق جرگه نقش مهمی داشت، مرکز توجه انگلیس ها قرار گرفتند و سعی شد تا با نصب کردن همین عبدالواحد شینواری و بهانه استفاده از چوب های جنگلات کتر، صادرات آن به هند بریتانوی و استخراج سنگ های قیمتی، کتر به یک پایگاه فعالیت های انگلیس تبدیل شود. در یادداشت آتشه نظامی نمایندگی بریتانیا در کابل برای هفته که به تاریخ ۲۱ می ۱۹۲۶ ختم میشود، در ضمیمه گزارش شماره ۳۹ مؤرخ ۲۶ می ۱۹۲۶ وزیرمختار بریتانیا در کابل در رابطه با ایجاد نا آرامی در کتر و تلاش های نصب کردن عبدالواحد چنین می خوانیم که:

"الف). امیر (امان الله خان) خاموشانه در جلال آباد بسر میبرد. باوجودی که [حالت صحی] وی آنقدر خوب نیست تا بیرون برود، باز هم با شدت تفتیش اداره محلی را تعقیب میکند. .. و حالا به پشتوی روان صحبت میکند.

ب). علت ناآرامی کتر ادعای شدت غیرلازم اداره میرزمان خان میباشد. فکر میشود که امیر عبدالواحدرا به عوض میرزمان خان تعیین کند، اما تاریخچه عبدالواحد نشان دهنده آن نیست که وی، حتی اگر توسط روحانیون حمایت شود، برای مردم کتر قابل قبول باشد. عبدالواحد اگرچه توسط مامورین از یک قسمت زیادی از سرمایه اش محروم گشته است، تا هنوز به اندازه کافی پول دارد که چوب های کتر را به نفعش به کار اندازد. اداره کتر یک سوال بسیار حساس است و یک خطای سیاست میتواند به یک انقلاب توسط صافی های کتر بیانجامد که ممکن است مهمند های محلی نیز به آنها بپیوندند."



عبدالواحد شینواری معروف
به مستر وید در لباس غربی

شخص دیگری که بزودی با مستر وید همکار و همدست میشود، "ایم. ای. حکیم" است که درین وقت به نام نمائنده "انبر" تاجر آلمانی که تجارتخانه در کابل دارد، بین کابل و پشاور در رفت و آمد میباشد و به گفته سید قاسم خان رشتیا این همان حکیم جان مشهور است که بعد ها به حیث رابط و نمائنده معتمد سپه سالار محمدنادر خان در مسایل محرمانه با مقامات عالیرتبه دولت بریتانیا در هند اجرای وظیفه مینمود و بعد از پادشاهی سردار محمدنادر خان مرکز فعالیت خود را به کابل انتقال داده تمام خریداری های حکومتی در انحصار او درآمد (رشتیا، سید قاسم، ۱۳۷۸، صفحات ۵۶-۵۷)؛

مستر وید پس از کشف پلان کودتای که علیه غازی امان الله خان طرح شده بود و به نام توطئه "پتیاله"

معروف شده است، و در نتیجه آن شاه محمود خان از حکومت عالی سمت مشرقی برطرف شد، به حیث رابط بین مقامات انگلیس و برادران او در جنوب فرانسه عرض اندام نمود. او مقارن اغتشاش شینوار دوباره فعال میشود این بار در ماه عوqb سال ۱۳۰۷ به کمشنر پشاور مراجعه و پیشنهاد میکند که "نظر به روابط نزدیکی که با رؤسای قبایل باغی در مشرقی و نفوذی که در کابل دارد، مصنونیت مواصلات حکومت بریتانیا را با سفارت شان در کابل تامین و هم حفاظت سفارت بریتانیا را در کابل توسط افراد قبایلی به عهده میگیرد" اسناد محرمانه انگلیس میرساند که حکومت هند بریتانوی بعد از مشوره با همفریز سفیر انگلیس در کابل، با فرستادن او به کابل مخالفت ورزیده اما به کمشنر پشاور اجازه داده میشود تا در مقابل پرداخت پول از او در اجرای خدمات لازم دیگر استفاده کنند.

ماموریت خطیر دیگر مستر وید در آخرین روز های سلطنت غازی امان الله خان نجات دو نفر از پیلوتان یک طیاره انگلیسی بود که در جگدک در نزدیکی کمپ قوای والی علی احمد خان به زمین نشسته بود. مستر وید آنها را به سلامت به سرخورد به خانه یکی از روحانیون معروف رساند تا آنکه بعداً توسط یک طیاره دیگری که از "رسالپور" ایالت سرحدی شمال غربی پرواز نموده بود آنها را از سرخورد به پشاور انتقال دادند (برای معلومات بیشتر درین رابطه به کتاب بالها بر فراز کابل مراجعه کنید).

یکی از کار های دیگر مستر وید درین هنگام تهیه اعلامیه هجده فقره ای معروف علیه غازی امان الله خان بود که توسط او در مطبوعه "اقبال پریس" پشاور طبع و در بین قبایل توزیع گردید.

عبدالواحد شینواری یا مستر وید بعد از انجام شاید آخرین ماموریتش در افغانستان نا پدید میشود. به گفته کریستین ستیونس، یک نویسنده آسترالیایی مستر وید در سال ۱۹۲۸ در انگلستان زندگی میکرد. (ادامه دارد)

یادداشت ها

- (۱). انگلیس ها بعد از جنگ دوم افغان و انگلیس به اهمیت ستراتیژیک کشیدن خط آهن از طریق دره خیبر پی برده، بعد از سروی و انتظار چندین ساله بالاخره کار ساختمان انرا در سال ۱۹۰۵ م از منطقه بین پشاور و جمروود به نام کچه گرهی آغاز کردند. چون بعد از تکمیل قسمت اول این راه آهن به امتداد ۳۲ کیلومتر در سال ۱۹۰۷ اوضاع بین المللی تغییر یافت و با انعقاد قرارداد انگلیس و روس، افغانستان خارج از ساحه نفوذ روسیه قرار گرفته و انگلیس ها از خطر احتمالی پیشروی روس ها خاطر جمع شدند، کار قسمت باقیمانده این راه آهن نیز تعطیل شد. بعد از جنگ استرداد استقلال افغانستان که سیاست جهانی و اوضاع منطقه و بین المللی یک بار دیگر تغییر کرد، کار پروژه خط آهن خیبر پاس نیز دوباره آغاز یافت. انجینیر ویکتور بیلی درین پروژه به کمک مامورین استخبارات انگلیس با عده از ملکان اقوام افریدی و شینواری ارتباطات نزدیک داشته از حمایت شان استفاده مینمودند. این خط آهن به تاریخ چهارم ماه نومبر سال ۱۹۲۵ افتتاح شد. که خانم انجینیر بیلی رانندگی اولین قطار افتتاحیه خیبر پاس را به عهده داشت. در رابطه با اینکه چرا خانم بیلی این افتخار رانندگی اولین قطار را بدست آورد، گفته میشود که بعد از تکمیل این پروژه باشندگان ایجنسی خیبر از عبور قطار آهن جلوگیری میکردند. چون مامورین انگلیسی میدانستند که پشتون ها مطابق به رسوم عنعنوی از حمله بر زنان خودداری میکنند، لذا از این خانم انگلیس تقاضا نمودند تا رانندگی اولین قطار را به عهده گیرد. راپور ها حاکیست که این خانم انگلیسی با گذاشتن موی های دراز از فاصله دور شناخته میشد که یک زن است. قابل یادآوریست که بعد از ناکامی اغتشاش خوست، انگلیس ها ۸ کیلومتر دیگر این خط آهن را تا منطقه لندی خانه در ۳ کیلومتری تورخم تکمیل و از سوم اپریل ۱۹۲۶ مورد استفاده قرار دادند.
۲. Adventure through Khyber, Bayley, Victor (1988) صفحات ۲۴۵ - ۲۴۶.
۳. رشتیا، سید قاسم (۱۳۷۸). "تاریخ سکوت میشکند: نادر چگونه به پادشاهی رسید؟" (با نام مستعار سیدال یوسفزی)، چاپ مرکز نشراتی میوند، سبا کتابخانه.